



پرونده‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

◆ پروانه مافی

# مشارکت سیاسی زنان افزایش یا . . .

## مشارکت سیاسی زنان

مشارکت سیاسی زنان در نیمه دوم قرن بیستم همواره به عنوان یک موضوع پراهمیت، در اقصی نقاط جهان مطرح بوده است. زنان نیز با کسب موقعیت‌های شایسته در دهه‌های اخیر ابتکار عمل فراوانی را در پویا و حساس نگهداشتن موضوع فوق، از خود نشان داده‌اند. با عنایت به این واقعیت که زنان در عالم انصاف منزلتی برابر با مردان دارند و این منزلت را حتی در کمترین فرصت‌های پیش آمده برای آنان به خوبی به اثبات رسانیده‌اند، نظام حقوقی بین‌المللی و داخلی کشورها نیز مشارکت آنان را به رسمیت شناخته‌اند. مشارکت سیاسی زنان، موجب می‌شود خط‌مشی‌ها، تصمیمات و قوانینی که حامی و تعالی‌دهنده آنان می‌باشند به تصویب رسیده و به اجرا درآیند.

زنان در سال‌های اخیر، تقریباً در کشورهای که نهادهای منتخب دارند حق رأی و احراز مقام‌های سیاسی را کسب کرده‌اند. لیکن، تعداد نمایندگان زن، در مقام‌های انتخابی و سایر مناصب دولتی، هنوز فوق‌العاده اندک است. به طور مثال تا سال ۱۹۹۴ فقط ۲۴ زن در قرن بیستم جزء سران منتخب دولت‌ها بودند که نیمی از آن‌ها در دهه ۹۰ انتخاب شده‌اند. در سال ۱۹۹۸، ده تن از سران دولت‌های جهان زن بوده‌اند و در آغاز قرن بیست و یکم فقط ۱۲۷٪ از وزرای هیأت‌های دولت در جهان، از میان زنان، بوده‌اند و کمتر از ۵٪ از مقامات عالی در سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، در اختیار زنان، بوده است. هم‌چنین در سال ۱۹۹۸ تعداد زنانی که در بخش ارشد مدیریت دبیرخانه سازمان ملل فعال بوده‌اند، ۲۸۷٪ کل مدیران ارشد بوده است.

زنان حتی زمانی که به مقامات و پست‌های عالی، منصوب می‌شوند، عمدتاً برای مشاغل مرتبط با مسائل زنان از قبیل تعلیم و تربیت، بهداشت و رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند و در حکومت‌های جدیدی که در اثر مبارزات آنان به وجود آمده است به ندرت به مقام‌های سیاسی منصوب می‌شوند. میزان مشارکت آنان در کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس در بعضی از بخش‌های جهان، مثل اروپای شرقی، حتی دچار تنزل هم‌گشته و از ۲۲٪ در سال ۱۹۸۷ به ۶/۵٪ رسیده است.

به روشنی مشخص گردیده که عدم مشارکت زنان، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بی‌آمدهای منفی و مخرب را نیز برای جوامع امروزی به دنبال دارد. این بی‌آمدها، می‌توانند شامل محروم شدن زنان از حقوق و مسئولیت‌های مهم در جامعه، محروم شدن جامعه از بهره‌مندی از مهارت‌ها، دانش و دیدگاه‌های آنان، عدم حضور دیدگاه‌های زنان در تثبیت خط‌مشی‌ها و قوانین و محروم شدن زنان از بودجه‌های ملی می‌باشد.

اگرچه سازمان ملل و خصوصاً شورای اقتصادی - اجتماعی این سازمان (Ecosoc) مقرر کرده است که سهم مشارکت زنان در سطوح

## مشارکت سیاسی زنان، موجب می‌شود خط‌مشی‌ها، تصمیمات و قوانینی که حامی و تعالی‌دهنده آنان می‌باشند به تصویب رسیده و به اجرا درآیند.

تصمیم‌گیری دولت تا پایان سال ۲۰۰۰ به ۳۰٪ برسد، اما این رقم در حدی پائین‌تر از ۱۰٪ در سطح جهان باقی مانده و فقط در کشورهای اسکانندیناوی می‌توان گفت که نسبت زنان با مردان در تصمیم‌گیری‌های کلان کم و بیش مساوی است.

با توجه به گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ سازمان ملل، کشورهای نروژ - سوئد و کانادا با کسب رتبه‌های یکم تا سوم، کشورهایی با توسعه انسانی بالا معرفی شده‌اند و ایران با کسب رتبه ۹۸ با توسعه انسانی متوسط و مصر و هند با کسب رتبه‌های ۱۱۵ و ۱۲۴ در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

## مشارکت سیاسی زنان در ایران

زنان ایران در قرن اخیر، رویکردهای متفاوتی را از مشارکت سیاسی تجربه کرده‌اند، اما عمدتاً این مشارکت در پائین‌ترین سطح خود یعنی رأی دادن، بوده است. با توجه به گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ سازمان ملل که در آن ایران رتبه ۹۸ را احراز نموده است، مشارکت سیاسی زنان ایران در کلیه سطوح، ۴/۴ در سطح وزیر، صفر و در سطح معاون وزیر، ۵/۵ می‌باشد. این اعداد برای ایالات متحده به ترتیب ۳۳٪ در کلیه سطوح، ۲۶٪ در سطح وزیر و ۳۳٪ در سطح معاون وزیر می‌باشد و برای بورکینافاسو در کلیه سطوح ۱۰٪ در سطح وزیر و ۱۰٪ در سطح معاون وزیر ۹۹٪ می‌باشد.

در این گزارش مهم‌ترین شاخص، جهت مشارکت سیاسی زنان، داشتن حق رأی می‌باشد که در کشور ما، این حق در سال ۱۹۶۳ به زنان اعطاء شده و در بورکینافاسو در سال ۱۹۵۸ و در ایالات متحده این حق در سال ۱۷۸۸ به زنان داده شده است.

وجود فاصله جدی در کسب پائین‌ترین سطح مشارکت سیاسی زنان ایران و کشورهایی که با توسعه انسانی بالا معرفی شده‌اند، موجب شد که کسب تجارب سیاسی در میان جامعه زنان ایرانی با کندی روبه‌رو شود، اما این عقب‌ماندگی پس از انقلاب اسلامی با رشد قابل توجهی که زنان با حضور فعال و مؤثر خود در پیروزی انقلاب پیدا نمودند، شامل اصلاحاتی عمیق گردید. حمایت‌های رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) از تلاش‌های سیاسی زنان و مشروعیت بخشیدن به این فعالیت‌ها تا حدی که حضور زنان در تثبیت نظام جمهوری اسلامی را تعیین‌کننده‌تر و مؤثرتر از مردان معرفی نمودند، موجب تقویت جایگاه مشارکت سیاسی زنان گردید. هم‌چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصول سوم و بیستم خود به حمایت همه‌جانبه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان اعم از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی اشاره دارد، موجب ارتقاء مهمی در تاریخ مشارکت سیاسی زن ایرانی را فراهم آورد.

این مشارکت، در آغاز انقلاب به لحاظ عمومی بودن آن فقط با سیاست همراه شد و در عرصه‌های تصمیم‌گیری کلان حضور قابل توجهی پیدا نکرد. چنان‌چه سهم زنان ایرانی در کسب کرسی‌های مجلس شورای اسلامی ۴۵٪ می‌باشد که در مقام مقایسه با کشورهایی چون نیپال ۵٪، تاجیکستان ۱۱٪، اوگاندا ۱۶٪، برزیل ۲۰٪ و فرانسه ۵۰٪ قابل تأمل است.

این سهم برای مدیریت زنان در بخش دولتی نیز کمتر از ۳٪ بوده که در مقام مقایسه با کشورهایی چون سوئد ۴۰٪، نروژ ۳۷٪، دانمارک ۳۰٪، فنلاند ۲۶٪، آمریکا ۲۲٪ و کاستاریکا ۱۲٪ ضرورت بازنگری بر چگونگی مدیریت زنان را در بخش‌های دولتی می‌طلبد. این در حالی است که در صد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دختران از مرز ۵۰ گذشته است و علی‌رغم این پیشرفت، هیچ‌گونه برنامه خاصی برای

با توجه به گزارش توسعه انسانی  
سال ۲۰۰۲ سازمان ملل،  
کشورهای نروژ - سوئد و کانادا  
با کسب رتبه‌های یکم تا سوم،  
کشورهایی با توسعه انسانی بالا  
معرفی شده‌اند و ایران با کسب  
رتبه ۹۸ با توسعه انسانی متوسط  
و مصر و هند با کسب رتبه‌های  
۱۱۵ و ۱۲۴ در مراتب بعدی قرار  
گرفته‌اند.



نام کشور	شاخص توسعه جنسیتی		رتبه اقدامات توانمندسازی جنسیتی		درصد زنان در منافع ارشد مدیریتی و قضایی		شاخص توسعه انسانی		درصد زنان شاغل در سطوح دولتی و وزارتی	
	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹
کویت	۲۰	۲۲	-	-	-	-	۲۵	۲۳	-	-
امارات متحده عربی	۲۵	۲۷	-	-	۸	-	۲۶	۲۵	-	-
کرواسی	۲۲	۲۳	۲۰	۲۳	۲۵	۲۶	۲۸	۲۶	۱۶/۲	۱۶/۲
قطر	۲۸	۲۸	-	-	-	-	۵۱	۲۸	-	-
مالزی	۵۵	۵۲	۲۸	۲۳	۲۰	۲۱	۵۹	۵۶	-	-
رومانی	۵۲	۵۵	۲۸	۵۲	۲۶	۲۶	۶۳	۵۸	۲۰	۲۰
لیبی	۶۱	۶۱	-	-	-	-	۶۲	۵۹	۱۲/۵	۱۲/۵
لیبنان	۶۶	۶۹	-	-	-	-	۷۵	۶۵	-	-
تایلند	۵۸	۶۰	۵۰	-	۲۷	۲۲	۷۰	۶۶	۵/۷	۵/۷
عربستان سعودی	۷۵	۷۲	-	-	-	-	۷۱	۶۸	-	-
ارمنستان	۶۵	۶۲	-	-	-	-	۷۶	۷۲	-	-
ترکیه	۷۱	۷۱	۶۳	۶۳	۹	۹	۸۵	۸۲	-	-
چین ۷۶	۷۷	-	-	-	-	-	۹۶	۸۷	۵/۱	۵/۱
اردن	۸۱	۸۲	-	-	-	-	۹۹	۸۸	-	-
تونس	۸۰	۸۱	-	-	-	-	۹۷	۸۹	۱۰	۱۰
<b>ایران</b>	<b>۸۳</b>	<b>۸۳</b>	<b>-</b>	<b>-</b>	<b>-</b>	<b>-</b>	<b>۹۸</b>	<b>۹۰</b>	<b>۹/۳</b>	<b>۹/۳</b>
قرقیزستان	-	-	-	-	-	-	۱۰۲	۹۲	-	-
آفریقای جنوبی	۸۵	۸۸	-	-	-	-	۱۰۷	۹۲	-	-
سوریه	۹۰	۹۲	-	-	-	-	۱۰۸	۹۷	۱۱/۱	۱۱/۱
الجزیره	۹۱	۹۰	-	-	-	-	۱۰۶	۱۰۰	-	-
سسر	۹۷	۹۶	۶۳	۶۵	۲/۳	۱۰	۱۱۵	۱۰۵	۱/۶	۱/۶
هندوستان	۱۰۵	۱۰۵	-	-	-	-	۱۲۲	۱۱۵	۱۰/۱	۱۰/۱





نام کشور	شاخص توسعه جنسیتی		رتبه اfdایات نوآمده سازی جنسیتی		درصد زمان در مشاغل ارشد مدیریتی و قضایی		شاخص توسعه ی انسانی		درصد زمان شاغل در سطوح دولتی و وزارتی	
	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۹
نروژ	۳	۱	۱	۱	۲۵	۳۱	۱	۱	۲۲/۱	۲۲/۱
اسفرائیا	۱	۲	۱۰	۹	۲۲	۲۵	۵	۲	۱۹/۵	۱۹/۵
کانادا	۵	۳	۷	۵	۲۵	۲۵	۳	۳	۲۲/۲	۲۲/۲
سوئد	۲	۵	۳	۳	۲۹	۲۹	۲	۲	۵۵	۵۵
بلژیک	۲	۷	۱۲	۱۲	۱۹	۱۹	۲	۵	۱۸/۵	۱۸/۵
آمریکا	۶	۲	۱۱	۱۰	۲۵	۲۵	۶	۶	۲۱/۸	۲۱/۸
هلند	۹	۸	۶	۷	۲۷	۲۲	۸	۸	۳۱	۳۱
ژاپن	۱۱	۱۱	۳۲	۳۱	۹	۹	۹	۹	۵/۷	۵/۷
فنلاند	۸	۹	۵	۲	۲۷	۲۹	۱۰	۱۰	۲۲/۲	۲۲/۲
سوئیس	۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۲۲	۲۲	۱۱	۱۱	۲۸/۱۶	۲۸/۱۶
لوکزامبورگ	۱۹	۱۹	-	-	-	-	۱۶	۱۲	۲۸/۶	۲۸/۶
فرانسه	۱۲	۱۰	-	-	-	-	۱۲	۱۳	۲۷/۹	۲۷/۹
انگلستان	۱۰	۱۲	۱۶	۱۶	۲۳	۲۳	۱۲	۱۲	۲۲/۲	۲۲/۲
دانمارک	۱۳	۱۳	۲	۱۲	۲۳	۳	۱۲	۱۵	۲۵	۲۵
اتریش	۱۵	۱۶	۱۲	۱۱	۲۸	۲۶	۱۵	۱۶	۲۱/۲	۲۱/۲
آلمان	۱۶	۱۵	۲	۸	۲۷	۲۶	۱۷	۱۷	۲۵/۷	۲۵/۷
ایتالیا	۲۰	۲۰	۳۱	۲۹	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۱۷/۶	۱۷/۶
اسپانیا	۲۱	۲۱	۱۵	۱۵	۳۲	۳۱	۲۱	۲۱	۱۷/۶	۱۷/۶
سنگاپور	۲۲	۲۲	۲۳	۲۵	۲۳	۲۱	۲۵	۲۶	۵/۷	۵/۷
کره جنوبی	۲۹	۲۹	۶۱	۶۱	۵	۵	۲۷	۲۷	۶/۵	۶/۵
آرژانتین	۳۳	۳۳	-	-	-	-	۳۲	۳۲	۷/۲	۷/۲
شیلی	۳۹	۳۹	۲۹	۲۹	۲۶	۲۲	۳۸	۳۹	۲۵/۶	۲۵/۶
بحرین	۲۰	۲۱	-	-	-	۹	۳۹	۲۰	-	-

جذب و اشتغال آنان تدوین نگردیده است.

هم چنین پائین بودن سهم زنان ایرانی در دستیابی به کرسی های مجلس و سطوح عالی مدیریت اجرایی در مقام مقایسه با جمعیت زنان شاغل متخصص در سطوح کارشناسی، یک ناهمگونی غیرمتوازن را به ذهن متبادر می سازد و این بدان معنی است که وجود سقف شیشه ای در مناسب عالی، مانع مهمی برای رسیدن زنان، به این مقامات می باشد.

## ضرورت بازنگری بر جایگاه مشارکت سیاسی زنان ایران

با توجه به مطالبی که ذکر شد، ضرورت بازنگری بر مسأله مشارکت سیاسی زنان کاملاً روشن بوده و برای جبران کاستی ها، تلاش همه جانبه عملی و فرهنگی لازم است که به مواردی از آن اشاره می شود:

الف:

۱- تلاش های عملی: منطق اجتماعی حکم می کند که زمینه مشارکت عملی زنان در کلیه صحنه های اجتماعی و سیاسی فراهم آید و چون تدوین و اجرای برنامه های عملی در حیطه ی وظایف دولت است، این منطق اقتضا دارد که در بخش های دولتی، از وجود زنان، به عنوان نیروهای انسانی قابل توجه، استفاده شود تا حدی که درصد و سهمیه خاصی برای آن ها در نظر گرفته شود.

۲- توانایی زنان برای عهده دار شدن مشاغل مهم سیاسی، ارتباط نزدیکی با حضور و قدرت آنان در احزاب و گروه های سیاسی دارد و احتمال کسب مقام های سیاسی و پارلمانی برای زنان هنگامی افزایش می یابد که از اعضاء مهم این گروه ها باشند و با ایجاد حساسیت در درون احزاب، شرایط ضرورت قائل شدن به اولویت برای توانمندی سیاسی رسمی زنان را فراهم نمایند. در مواردی چند دولت ها سهمیه های مشخص برای زنان در بخش های سیاسی مقرر داشته اند مثلاً هند، بر طبق قانون اساسی خود، یک سوم مقام ها در سطح مدیریت های روستایی را برای زنان ذخیره می نماید. هم چنین یک سوم کرسی های مربوط به حکومت های محلی را برای زنان مقرر کرده و در کشورهایی چون سوئد، دانمارک، نروژ و بوسنی در انتخابات سال ۱۹۹۸ همگی، سهمیه هایی را برای زنان مقرر داشته اند. سوئد حداقل سهمیه ای در حدود ۱۰٪ برای نمایندگی زنان مقرر کرده و تانزانیا سهمیه زنان در مجلس را ۱۵٪ تعیین کرده است.

انتخابات مبتنی بر نسبت تعداد مرد و زن در نظام های انتخاباتی برای افزایش حضور زنان در مجالس قانونگذاری نقش مؤثرتری دارد. در این نمونه احزاب سیاسی تشویق می شوند که درصد معین و قابل توجهی از نماینده زن در فهرست های کاندیداها داشته باشند.

ب:

تلاش های فرهنگی از طریق آموزش زنان: تفاوت های

زیست شناختی و روان شناختی جنسی که به عنوان یک خصیصه قابل درک است، متأسفانه در مجاری قرون و اعصار، جلوه امتیاز به خود گرفته است و نتیجه فراتری را برای مردان و فروتری را برای زنان، به صورت یک قاعده کهن اجتماعی درآورده است.

بنگالادش افزایش تعداد زنان را در خدمات کشوری، مدیون موفقیت در سهمیه بندی می داند، چنان چه این مشارکت از ۱۷٪ مقامات عالی وزارتخانه ها در سال ۱۹۸۷ به ۲۶٪ در دهه ۹۰ افزایش یافته و از ۷٪ مقام های عالی هیأت مدیره ها در ۱۹۸۷ به ۲۰٪ در دهه ۹۰ ترقی کرده است و بالاخره آرژانتین در دهه ۹۰، قانونی را براساس تعیین سهمیه برای احزاب سیاسی به اجرا درآورد تا حداقل ۳۰٪ مشارکت برای زنان فراهم و تضمین شود.

در این خصوص هرچند که بشر در طول زمان رشد فراوانی را به دست آورده و در این مسیر به اشتباه گذشتگان پی برده است، اما تجربه نشان می دهد که سنت های کهن، چون به صورت عادات و فرهنگ گریبانگیر جوامع شده اند، آن چنان محکم و قوی هستند که مبارزه با آنان مشکل به نظر می رسد. زنان که خود نیز پرورش یافته این شرایط فکری می باشند، عقب ماندگی را پذیرفته اند و خصوصاً برای کسانی که از محیط متمدن بشری دورند اصولاً حقوق انسانی و مشارکت سیاسی مفهومی ندارد. برای رهاسازی این نیمی از بیکره جهان تلاش فرهنگی به منظور ارتقاء فکری آنان، به هر نحوی که ممکن باشد، یک تعهد و مسئولیت اجتماعی است، تا به وسیله ی برکت معرفت بیشتر، زنان خود، برای احراز توسعه مشارکت سیاسی گام اصلی را بردارند.

فراموش نکنیم که نیل به توسعه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، توسعه همه جانبه و سعادت جامعه بشری و عدالت اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. چنان چه در سوئد زنانی که هم در حکومت نقشی داشتند و هم در خارج از حوزه امور حکومتی بودند، موفق شدند کشورشان را از وارد شدن به مسابقه جهانی سلاح های هسته ای بازدارند و تلاش در راه ادامه استفاده از قدرت هسته ای را متوقف سازند.

در نتیجه، بهره برداری از تمام ظرفیت ها، امکانات و منابع انسانی کشور در جهت تحقق عدالت اجتماعی، از اهداف مهم دستیابی به توسعه محسوب می شود و از وظایف اصلی و مسئولیت های مهم دولت ها می باشد.

آیا می توان به آینده خوش بین بود؟! !!

زیرنویس

۱. از دیدگاه میلبراث Milbrath که از اندیشمندان دهه ۶۰ می باشد، کسب پائین ترین سطح مشارکت سیاسی رأی دادن و بالاترین سطح آن، مقام های سیاسی است. مأخذ: روزنامه همشهری ۱۹ آبان ۱۳۸۱

United Nations, Department of Public Information, The advancement of Women: notes For Speakers January (1995)